

دیوان صدقی استرآبادی

تصحیح: سید غلام محمد علی صوفی

بہ اہتمام ادارہ کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان



نشر پیک ریعان

۱۳۹۵

سرشناسه : استرآبادی، سلطان محمد بن حسن، - ۹۵۲ق.

عنوان و نام پدیدآور : دیوان صدقی استرآبادی / تصحیح مرضیه قدمعلی صوفی؛ به

اهتمام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان.

مشخصات نشر : گرگان: پیک ریحان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۱۳۴ ص.

شابک : ۶-۶۸-۷۴۸۷-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۰ق.

موضوع -- Persian poetry : ۱۶th century

شناسه افزوده : قدمعلی صوفی، مرضیه، مصحح

شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

استان گلستان

رده بندی کنگره : ۱۳۹۵/د۹ PIR۵۸۶۳

رده بندی دیویی : ۴/۱۸۴

شماره کتابخانه ملی : ۴۴۹۷۵۴۸

دیوان صدقی استرآبادی

تصحیح: مرضیه قدمعلی صوفی

به اهتمام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان

نشر پیک ریحان گرگان / چاپ اول سال ۱۳۹۵

قطع وزیری / ۱۳۴ صفحه

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی غنچه گرگان

شابک: ۶-۶۸-۷۴۸۷-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

فهرست:

۷	مقدمه:
۹	پیش گفتار
۱۱	معرفی نسخه‌ها و شیوه‌ی کار
۱۵	زندگی، شعر و زمانه‌ی شاعر
۲۲	اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر شاعر
۲۴	جای شاعری مذهبی ایران قبل از صفویان
۲۶	وضعیت شعر در زمان شاعر
۲۹	سبک شاعر
۳۰	سطح زبانی
۳۱	سطح آوایی
۳۶	سطح لغوی
۳۶	سطح نحوی
۳۸	سطح فکری
۳۹	سطح ادبی
۴۲	قصاید
۱۱۹	قطعه
۱۲۱	ترکیب بند
۱۳۲	مفردات

مقدمه:

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

روزها فکر من اینست و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود به کجا می روم آخر نمایم وطنم
به نظر می رسد بحران هویت بزرگترین مسئله زندگی بشر عصر حاضر است.

شاید مهمترین مسئله اجداد ما در گذشته های دور مسئله مواجهه و مقابله با
تهدیدها و خرابی و آسیب های ناشی از عوامل طبیعی مثل سیل، زلزله، سرما، گرما
و حیوانات درند بود.

امروزه به کمک علم و فن آوری بشر به قدرتی دست یافته که تقریباً بر همه
خطرات ناشی از عوامل طبیعی فائق آمده است.

فن آوری، قدرت، دقت و سرعتی را برای بشر به ارمغان آورده است که به کمک
این ارمغان صورت مسئله ی نسبت بین بشر و طبیعت معکوس شده است. یعنی
در گذشته عوامل طبیعی برای انسان تهدید ساز بوده است لکن در عصر حاضر
بشر برای طبیعت تهدید ساز و خطر آفرین شده است.

و موضوع خطر آفرینی بشر از این همه بغرنج تر و تاسف بارانگیزتر است و آن
اینکه، بشر برای خودش هم خطر ساز شده است. علم بشر، دانش بشر و دست
آوردهای مبتنی بر دانش او برایش بلا آفرین شده است. آدمی هدایت گم کرده
است، راه را نیز از دست داده و این همه به سبب آن است که خود را گم کرده
است، اینکه: از احوال خویشتن غافل شده است نمی داند از کجا آمده و کیست؟
برای چه آفریده شده و به کجا می رود و چگونه باید برود؟

انسان معاصر متتها و مقصد را نمیداند، چرا؟ چون مبدا^۱ را گم کرده و به فراموشی^۲ سپرده است. به همین خاطر بشر امروز بیش از هر زمانی نیازمند اتصال به حکمت پیشینیان است. چرا؟

زیرا گذشته، حال و آینده قطعات لازم تحقق هویت آدمی است و حذف و فراموشی هر کدام به تثبیت و تحقق هویت او آسیب می رساند. بنابر این توجه به آثار و میراث مفاخر فرهنگی، نقش مؤثری در تثبیت و تحقق هویت نسل فعلی و آینده جامعه ایفا می کند. آنای نسل ما با آثار و مفاخر فرهنگی، سبب باز سازی و تقویت اعتماد به نفس و خود باوری شده و بدین سان ضمن تأمین پیش نیاز اقتدار فرهنگی در جامعه، استمرار حیات و پویایی نسل ما در قالب هویت ایرانی اسلامی تضمین می شود. چاپ و انتشار دیوان وزین «صدقی استرآبادی» که خود از مفاخر فرهنگی دیار استرآباد (گلستان فعلی) است، گامی است در راستای توجه و اهتمام به میراث، آثار و مفاخر فرهنگی این دیار. امید است به لطف خداوند در حال این گامها در مسیر تقویت و تثبیت خود باوری نسل جوان ما بوده و در پی آن بازیابی تقویت هویت فرهنگی مان استمرار یافته و دژ محکمی از اراده های متکی به هویت اسلامی براندر در برابر تهاجم فرهنگی در عصر از خود بیگانگی انسان معاصر بسازد.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

وصل الله علی محمد وآله الطاهرین

علی اصغر فضیلت

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گلستان

مهر ماه ۱۳۹۵

۱. من عرف نفسه فقد عرف ربه هر کس خود را شناخت خداوند را نیز می تواند بشناسد از کلمات گهر بار علی(ع).

۲. زیرا به استناد آیه (انا لله و انا الیه راجعون) هستی و هویت انسان ریشه در خداوند متعال دارد.

پیش گفتار

تصحیح دیوان شاعران پیشین اگر چه ارج و قرب خود را در تندباد انتقادهای گاه غیر منصفانه‌ای که در دوران اخیر از این کار شده و برخی آن را نبش قبر نامیده‌اند، از دست داده است؛ اما بی‌گمان این کار در نزد اهل علم و ادب، نه تنها بی ارزش نمی‌نماید، بلکه «گنج یابی و احیای فرهنگ است... و کاری است بس خطیر.» (سمیع، ۱۳۶۸: ۲۵)

گنجینه‌های گرانسنگی از علم، حکمت، هنر و... در نسخه‌های خطی‌ای که به قلم کاتبان و خوشنویسان در دوره‌های مختلف به رشته‌ی تحریر درآمده، همچنان ناشناس در گوشه‌ی کج‌بخانه‌ی خاک می‌خورد که نیازمند بذل توجه علاقه‌مندان و کارشناسان فرهنگی است تا آن پردیسی فراموشی به درآیند. هم‌چنین از فوائد تصحیح نسخ خطی، دست‌یابی به منبعی از ورژگان اصیل و کهن زبان فارسی است؛ واژگانی که امروزه یا منسوخ شده و یا تغییر کرده‌اند. ارائه‌ی این تغییرات زبانی برای پی بردن به روند پویایی و سیر تحول زبان و سبک، دارای اهمیت است.

تصحیح متون امروزه به عنوان یک کار ارزشمند در عالم کاملاً پذیرفته شده است و در رهیافت‌های جدید ادبی، نخستین اصل، داشتن متن صحیح و بی‌شائبه است تا کار بر روی آن ارزش علمی خود را حفظ کند.

صدقی استرآبادی در تذکره‌ها

از این شاعر در برخی تذکره‌ها یاد شده از آن جمله:

«مولانا سلطان محمد استرآبادی متخلص به صدقی (۹۵۲هـ) عالم کامل و شاعر فاضل است. اکثر علوم خصوصاً کلام و فقه را ورزیده، در بحث علمی و فصاحت بی‌نظیر زمان و در شعر و انشا یگانه‌ی دوران اما بسیار بی‌طالع افتاده و

گویا فلک کج رفتار ناسازگار غیر از این کاری ندارد که عاقل از او در رنج باشد
و جاهل صاحب گنج.

این رباعی مشارالیه در این جا مناسب حال است:

تا دور فلک گردد زمسین خواهد بود
با اهل دل اش همواره کین خواهد بود
با شیوهی بیداد قرین خواهد بود
تا بود چنان بود و چنین خواهد بود

مولداش اگرچه استرآباد است اما مدتی در کاشان متوطن گشته، اکثر اوقات در
کاشانی خود به افاده‌ی علوم دینی و نشر معارف یقینی اشتغال می‌فرمود و در
آن اثنی گاه، فکر شعر نیز می‌فرمودند. از اقسام شعر به قصیده گویی میل نموده
و در توحید و مثبت و منفی و این ابیات از آن جمله است:

خطی است بر کتابه‌ی این دور دیر پا
کأسوده زیست هر که رضا داد به قضا
مرا غمی است از این روزگار سقفه نوا:
که شرح شمه‌ی آن قصه ایست دور حراز
اعجاز عشق بین که چراغ دل ام نمرود
هر چند تندباد غمات رو بر آن نهاد
از ساقی نامه‌اش این چند بیت ثبت افتاد:

خوشا حال مستی که منصور وار
میسر شدش مستی پایدار
ز جامی که ساقی هستیش داد
نه از دست رفت و نه از پا افتاد

(صفوی، ۱۳۸۴: ۸۱-۸۰)

این شاعر فاضل استاد محترم کاشانی بود. در کاشان زیست و در همان جا مدفون است.
صدقی استرآبادی شاعری متعلق به اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم است. این
دوره از تاریخ به عهد صفوی اختصاص دارد.

«این دوره عهد غزل و غزل‌سرایی بود لیکن نوع قصیده با همه‌ی ناتوانی که یافت، هم‌چنان راه خود را در طول زمان می‌پیمود.» (صفا، ۱۳۷۹: ۶۰۶)

«محرک شاعران استاد قصیده‌گوی زمان در سرودن این نوع شعر، پس از داعیه‌ی استادی در فن شاعری، نخست فراهم کردن ساز و سامان زندگانی بود و دوم پرداختن به باورداشت‌های مذهبی و کسب ثواب اخروی.

زبان قصیده و -بوه‌ی، نظم آن در آغاز عهد صفوی بیش‌تر متمایل به همان طرزی بود که در تصانیف شاعران پایان سده‌ی هشتم و اوایل سده‌ی نهم می‌بینیم.

شیوه‌ی بعضی از شاعران دوره‌های قدیم‌تر، حتی به عهد شاعران خراسانی سده‌ی ششم و اوایل سده‌ی هفتم بازگشت مانند امیر صافی، صدقی، فسونی و... (همان، ۶۰۸-۶۰۷)

معرفی نسخه‌ها و شیوه‌ی کار

فهرست نسخ خطی کتاب‌نامه‌ی مازندران تألیف حسین صمدی برای شناختن منابع اصلی متن اشعار صدقی استرآبادی مورد استفاده قرارگرفت که در آن، مشخصات کتاب‌شناسی شاعر به شرح ذیل نقل شده بود:

۱- صدقی استرآبادی، سلطان محمد. (اشعار صدقی استرآبادی) (تهران، سلطان القزایی: {ساقی نامه} نوشته‌ی کاتبی که سال ۹۷۵ زنده بود در ۳۰۷ بیت. {منزوی: ۲۸۷۴} {خطی}).

۲- تهران، دانشگاه تهران- ۴۰۶۸: {در جنگ} نستعلیق سده ۱۲. آغاز و انجام افتاده، مجموعاً ۳۲ گ ۱۲ س. {ف. دانشگاه ۱۳۰۵: ۱۳} {خطی}

۳- تهران، - ۴۷۱۵: {نستعلیق سده ۱۳ و ۱۴، مجموعاً ۱۶۷ گ ۲۱ س.} {همان‌جا ۱۴: ۳۶۵۹} {خطی}.